

تحلیل راهبردهای تقویت ارتباط با خانواده همسر

فاطمه علیزاده^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح دو (کارشناسی) رشته فقه و اصول، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا(س)، کوی علوی اهواز، فعال فرهنگی و پژوهشگر

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه

چکیده

هدف این پژوهش ارائه مهارت‌های موثر در راه‌های تقویت ارتباط با خانواده همسر با توجه به آموزه‌های دانش مشاوره خانواده و اسلام و استخراج نکات اشتراک و اختلاف دو حوزه در این موضوع است؛ بدین منظور با تکیه بر روش شهید صدر مبتنی بر اینکه برای پاسخگویی به سوالات و نیازهای روز از قرآن، لازم است. ابتدا موضوعات در عالم خارج و اندیشه‌های بشری جستجو، و پس از بررسی و تحلیل به قرآن عرضه شود تا قرآن نیازها و سوالات بشری را پاسخ دهد. این موضوع با روش توصیفی-نقلی در حیطه مشاوره خانواده بررسی، و سپس با رجوع به منابع اسلامی (آیات-روایات) نظر اسلام در این موضوع بیان و نقاط ضعف دانش مشاوره خانواده از طریق مباحث اسلامی تکمیل و نقاط اشتراک و افتراق دو حوزه مطرح می‌گردد. مهمترین نتایج حاکی است که ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر در مشاوره خانواده و اسلام بر مبنای اعتقاد به اصل عزت و کرامت انسانی استوار است. مدیریت ارتباط با این دو گروه در مشاوره خانواده بر اساس انسان محوری و در اسلام بر پایه توحید محوری است.

واژه‌های کلیدی: خانواده همسر، روابط زوجین، مشاوره، همسران

مقدمه

اگرچه سلامت ازدواج، تضمین کننده تشکیل خانواده شاد و سالم است، ازدواج سالم و پایدار، خود با عوامل دیگری در ارتباط است. که یکی از مهمترین آنها تأثیر خانواده اصلی^۱ در ازدواج است. خانواده اصلی خانواده ای است که فرد در آن به دنیا آمده یا به فرزندپذیری پذیرفته شده است. از آنجا که مدیریت روابط خانواده به روابط صرف درون خانوادگی مشروط نیست و مدیریت صحیح روابط برون خانواده، که از جمله آنها رابطه با خانواده اصلی و خانواده همسر است، نیز در پویایی خانواده و موفقیت آن نقش بسزایی دارد، بررسی ارتباط موثر با خانواده اصلی و خانواده همسر و ارائه مهارتها و راهکارهای مدیریت صحیح آن از اهمیت برخوردار است. تحقیقاتی در حوزه مشاوره خانواده انجام شده است، از جمله دو پایان نامه با عنوان «تدوین و استاندارد سازی بسته آموزشی بومی مهارت های ارتباط با خانواده همسر بر مبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده های شهر اصفهان» و «تدوین و استانداردسازی بسته آموزشی بومی مهارتهای ارتباط زوجین با خانواده اصلی بر مبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده های شهر اصفهان» صورت گرفته است ولی با وجود آموزه های ارزنده که در حوزه اسلامی در این زمینه وجود دارد کمتر به طور مستقل به این موضوع پرداخته شده است لذا این مقاله در پی آن است که این موضوع را باتکیه برمحور آیات و روایات اسلام «وَحِیَانِی» مورد بررسی قرار دهد. از مواردی که به عنوان نوآوری این پژوهش می توان بدان اشاره کرد ارائه الگو سه بعدی تعامل با خود، خانواده اصلی و با همسر است. آگاهی از چنین الگوهای تعاملی مثبت و منفی که از آموزه های اسلامی استخراج می شود نه تنها گامی بلند در راستای مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و همسر است. بلکه چگونگی مدیریت موثر ارتباط با همسر و با خود فرد را نیز در برابر این دو گروه آموزش می دهد. در این پژوهش به سؤالاتی نظیر اینکه مدیریت کارآمد رابطه با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید دانش مشاوره خانواده و آموزه های اسلامی چگونه امکان پذیر است، و نقاط اشتراک و اختلاف این دو حوزه در بررسی این موضوع در چه چیزهایی است پاسخ داده می شود.

طرح مسئله

خانواده یکی از مهمترین نهادهای جامعه بشری است که زیربنایی ترین و اولین نهاد اجتماع به شمار می رود. نبودن روابط و مهارتهای ارتباطی مناسب در زندگی، رسیدن به سکون و آرامش را در سایه خانواده غیرممکن می سازد، لذا به منظور داشتن خانواده هایی سالم و در پی آن، جامعه ای سالم، آگاهی نسبت به اصول تقویت ارتباط بین خانواده ها (خانواده اصلی، خانواده همسر) و دانستن مهارت های کاربردی به منظور اجرایی شدن در زندگی افراد ضروری است.

با تکیه بر روش شهید صدر، که معتقد است، رسالت جهانی اسلام برآوردن نیازهای روز و دفع شبه هاست و موضوع های مورد توجه در دین باید در عالم خارج نیز بررسی شود تا از تجربه ها و راه حل های اندیشه بشری استفاده شود و از طریق مجموعه تجربه های علوم روز در گفتگو با قرآن نتایجی به دست می آید که برآورنده نیازها و پاسخگویی به سوال های بشری است و حقایق والای قرآنی را در صحنه اجتماع به طور ملموس آشکار می کند. این پژوهش درصدد است ابتدا به بررسی راهکارهای مدیریت ارتباط با خانواده همسر در دانش مشاوره خانواده بپردازد و سپس آن را بر قرآن و روایات عرضه کند.

۱. تبریزی، دیبائیان، کاردانی و جعفری، ۱۳۸۵، ص ۴۹.

۲. صدر، ۱۴۰۹: ۵۱.

عوامل موثر بر مدیریت ارتباط در راستای داشتن خانواده سالم و موفق آنقدر زیاد است که برای مبارزه با عوامل زیانبار این نهاد می توان الگوهای زیادی ارائه کرد با توجه به اهمیت نهاد خانواده در دانش مشاوره خانواده در این دانش برنامه ای تحت عنوان «غنی سازی زندگی زناشویی» وجود دارد که در زمینه ارتباط زوجین، اصل تعارضات و مسائل آنها، رابطه با خانواده اصلی و خانواده همسر و ... به زوجین آموزش می دهد این پژوهش بر آن است با توجه به ضرورت های تقویت ارتباط با خانواده همسر و بازتابی که این موضوع در سطح جامعه خواهد داشت این مسئله را مورد بررسی قرار دهد.

الف- مدیریت ارتباط با خانواده همسر از دید مشاوره خانواده

ازدواج به جای اینکه صرفاً پیوند دو نفر با یکدیگر باشد، معرفی دگرگونی دو نظام جا افتاده خانوادگی و تکوین خرده های نظامی در داخل هر یک از آنهاست^۳. بخش عمده ای از ارتباط هر خانواده به ارتباط زوجین با خانواده همسرشان برمی گردد. چنانچه این ارتباط از سلامت کافی برخوردار باشد. می تواند برای زوجین مفید و سازنده باشد ارتباط مناسب با خانواده همسر به حفظ بهداشت روانی، وجود تنوع در زندگی و رشد و بالندگی و بهره مندی از تجربه بزرگترها می انجامد^۴.

۱. مهارت های برقراری ارتباط با خانواده اصلی

می توان ازدواج با مرحله هم برای زوجین و هم برای خانواده های آنان در نظر گرفت بدیهی است هر دو نظام خانوادگی تازه تشکیل شده (زوجین) و تعریفی (خانواده اصلی) در این انتقال دستخوش تغییراتی می شوند و برای موفقیت در عبور از این مرحله باید به مهارت های لازم مجهز شوند. طبق الگوی کارتر و مک گلدریک، خانواده در طول حیات خود شش مرحله تحولی را پشت سر می گذارد که عبارت است از ترک خانه، پیوستن خانواده ها از طریق ازدواج، خانواده دارای فرزندان خردسال، خانواده دارای فرزندان نوجوان، روانه ساختن فرزندان و جدایی و مرحله پایانی از این مراحل با عنوان «چرخه زندگی خانوادگی» یاد می شود. در ادامه تکالیف تحولی مرتبط با خانواده اصلی و برخی آسیب های آن و دستیابی به برخی مهارتها در رویارویی با خانواده اصلی در مراحل پرداخته می شود که با این بحث مرتبط است.

۱-۱. جدایی

الف. ترک خانه

یکی از موارد موثر در بروز آسیب های تعاملی مرتبط با خانواده اصلی، عدم تمایز یافتگی است. تمایز به توانایی اشخاص در جدا کردن خودشان از خانواده های اصلی در سطح منطقی و هیجانی اشاره می کند. تمایز یافتگی، از توانایی کنترل هیجانی خود در عین حال ماندن در جو هیجانی شدید خانواده خویش است^۵. یعنی میزان فردیتی که شخص در مقابل دیگران دارد فرد تمایز یافته رفتار را بر مبنای رفتار دیگری تنظیم نمی کند؛ بلکه دارای استقلال رفتاری است^۶.

۳. گلدنبرگ و گلدنبرگ ۲، ۱۳۸۲: ۹۹.

۴. قاسمی، ۱۳۹۱: ۱ و ۲.

۵. پروجاسکا و نوراکس، ۱۳۸۱: ۸۵.

۶. تبریزی و همکاران ۱۳۸۵: ۱۱۵.

برخی پژوهش‌ها به بررسی رابطه رضایت زناشویی و تمایز یافتگی پرداخته‌اند. نتایج حاکی بود که بین تمایز یافتگی و خرده مقیاس‌های آن (واکنش‌پذیری عاطفی، گریز عاطفی، جایگاه من و هم آمیختگی با دیگران) با رضایت زناشویی رابطه معنی داری وجود دارد.^۷

ب- پیوستن خانواده‌ها از طریق ازدواج

در این مرحله تکلیف اولیه تعهد به زوج جدید است در حالی که ممکن است به نظر برسد مشکلات این مرحله عمدتاً بین همسران است. آنها منعکس‌کننده ی شکست در جدایی از خانواده پدری با برشهایی هستند که فشار بسیار زیادی را بر زوج وارد می‌کند. شکل‌گیری هر شراکت صمیمی، مستلزم این است که همسران دلبستگی هیجانی اولیه خود را از والدین و دوستانشان به رابطه با همسرشان منتقل کنند؛^۸ درواقع دو تکلیفی که برای ازدواج در نظر گرفته شده عبارت است از:

(۱) پایان دادن به وابستگی‌های اولیه به والدین

(۲) جهت‌دهی دوباره نیروهای فرد از خانواده اصلی به ازدواج^۹

بعضی اوقات برای خانواده‌ها دشوار است که زوج جدید را به جای اشخاصی که با آنها پیوند ژنتیکی یا انتخابی دارند به عنوان واحدی جدا در نظر بگیرند. والدین ممکن است به مزاحمی (همسر و فرزندان) که اکنون در مقایسه با آنان تاثیر بیشتری دارد حسادت کنند درحالی که زوجین معتقدند که والدین در کار آنها دخالت می‌کنند. وظیفه اصلی زوجین در این مرحله تعدیل نگرش نسبت به ازدواج است هر یک از همسران نیز باید تعلق نسبت به خانواده اصلی را بپذیرد و به دنبال قطع یا کمرنگ کردن این تعلقات نباشد، در عین حال خانواده‌های اصلی باید زمینه استقلال عاطفی خود را فراهم کنند؛ تعلق عاطفی او نسبت به همسرش را بپذیرند و آن در تعارض با وابستگی به خود نبینند.

بنابراین پس از ازدواج در زندگی هر یک از زوجین و خانواده‌های آنها تغییرات عمده اتفاق می‌افتد که هر کدام متعهدند این تغییرات را بپذیرند و ضمن سازگاری با آنها شیوه‌های مدیریت موثر را بیاموزند. برخی از این تغییرات تحولی در زمینه ارتباط زوجین با خانواده اصلی شامل عدم تمایز یافتگی، وابستگی‌های دو طرفه بین زوجین و خانواده‌هایشان، عدم مرزسازی صحیح در خانواده تازه شکل می‌یابد و در نتیجه عدم تعهد خانواده‌ها به رابطه زوجین و دخالت‌های نابجای هر یک از طرفین است.^{۱۰}

۱-۲- خانواده دارای فرزند خردسال

از جمله وظایف زوجین پس از تولد فرزند، سازماندهی دوباره روابط با خانواده اصلی است به گونه‌ای که والدین زوجین بتوانند به درستی نقش پدربزرگی و مادربزرگی را ایفا کنند. اگر پدر و مادر بزرگ‌ها خود را با نقش حمایتی از فرزندان و نوه‌ها سازگار کنند، می‌توانند در انعطاف‌پذیری خانواده مشارکت کنند و در صورت عدم حمایت از خانواده، مشکلات سازگاری را افزایش

^۷ . علیکی و نظری، ۱۳۸۷: ۱۹.

^۸ . نیکولز و شوارتز، ۱۳۸۷: ۱۴۲.

^۹ . هاروی، ۱۳۸۸: ۸۴.

^{۱۰} . افق‌ری، ۱۳۹۱: ۵.

می دهند.^{۱۱} از مشکلات این دوره «مثلث سازی» است. مثلث ها عبارت است از تبانی دو نفر درمورد شخص سوم، بدین معنا که پدربزرگ یا مادربزرگ و نوه علیه والدین با هم مثلث آرایی کنند در این صورت ممکن است والدین قدرت خود را از دست بدهند.^{۱۲}

۱-۳- روانه کردن فرزندان و جدایی

در این مرحله زوجین علاوه بر سازگار شدن با خروج فرزندان از منزل پدری و روبه‌رو شدن با سندرم آشیانه خالی، باید با تغییرات در روابطشان با والدین پا به گذشته ای نیز کنار بیایند که ممکن است به حمایت روز افزون نیاز داشته باشند. رویارویی با ناتوانی و فوت والدین از دیگر وظایف مرتبط با این مرحله است.^{۱۳}

۲- مهارت های برقراری ارتباط با خانواده همسر

وقتی دو نفر با هم ازدواج می کنند وارد گستره ای از ارتباطات اجتماعی می شوند که از آنان انتظار می رود بتوانند با افراد جدیدی که وارد زندگی آنها شده اند، رابطه مناسبی برقرار کنند، بدین منظور لازم است زوجین به مهارت های برقراری روابط موثر با خانواده همسر دست یابند که برخی از آنها عبارت است از:

۲-۱- مرزسازی در روابط زوجین و خانواده همسر

هر خانواده به عنوان سامانه ای از خرده نظامهایی نظیر خرده نظام والدین، زوجین و فرزندان تشکیل شده است. هر خرده نظام با مرزها و قواعد عضویت خاصی مشخص می شود چنانچه زوجین و خانواده آنها نتوانند مرزسازی مناسبی در روابط بین خود ایجاد کنند مسلماً با مشکلات فراوانی روبه‌رو می شوند مرزهای سالم در روابط زوجین و خانواده سالم و ویژگی ها و کارکردهایی دارد از جمله:

- (۱) حفظ استقلال زوجین
- (۲) حفظ کمیت و کیفیت مناسب ارتباط با خانواده همسر
- (۳) رعایت حریم خصوصی زوجین
- (۴) احترام به نیازها و خواسته های زوجین توسط خانواده همسر
- (۵) رعایت حرمت ها و کاهش بدرفتاری زوجین و خانواده همسر به یکدیگر
- (۶) برخورداری از حمایت خانواده همسر
- (۷) سعی زوجین در رفع مشکلات خانواده همسر بدون اینکه زندگی خودشان تحت الشعاع قرار گیرد.^{۱۴}

راهکارهای ایجاد مرزهای سالم عبارت است از:

^{۱۱} . موسوی، ۱۳۸۲: ۱۳۳.

^{۱۲} . مک گلدریک، گرسن وشلن برگر، ۱۳۸۹: ۱۶۸.

^{۱۳} . نیکولز و شوارتز، ۱۳۸۷: ۱۱۷.

^{۱۴} . قاسمی، ۱۳۹۱: ۸۵.

۱- یکی از آفتهای زندگی خانوادگی، دیدارهای مکرر و غیرضروری و بدون برنامه زوج ها و خانواده هایشان است. زوج ها باید مرزبندی زمانی تعیین کنند تا هر دو بدانند چه مدت را باید در خانه والدینشان سپری کند و آنها چه وقت یکبار می توانند پیش فرزندانشان بیایند.

۲- هنگامی که با هم دعوا می کنید، خانواده اش را وارد دعوا نکنید. کسی که شما با او طرف هستید همسران است. تجربه حاکی است که والدین زمانی که در زندگی فرزندان خود ناپختگی و خامی هایی را مشاهده می کنند، انگیز بیشتری برای دخالت خواهند داشت.

۳- درمورد تربیت بچه ها مرز تعیین کنید تا استانداردها و قوانینی که در خانه مشخص شده است، توسط خانواده طرفین برهم نخورد.

۴- وقتی درمورد مرزسازی ها تصمیم گرفتید باید آنها را رعایت کنید اگر یکی از طرفین این مرزها را بشکند کل این فرآیند برهم می خورد و علاوه بر آن اعتماد همسران را هم از دست می دهید.

۵- هر یک از همسران سعی کنند با والدینشان درمورد مرزسازی هایی که به اتفاق همسرشان مشخص کرده اند صحبت کنند!

۲-۲- مدیریت انتظارات و توقعات

ممکن است هر کدام از زوجین و افراد خانواده همسر، انتظارات و توقعات خاصی از یکدیگر داشته باشند که چنانچه از سوی مقابل مورد بی توجهی قرار گیرد، گناهی بزرگ به شمار می آید. هنگامی که انتظارات یکی از زوجین توسط خانواده همسر برآورده نمی شود، ممکن است فرد نیز با قطع رابطه و یا مشاجره با خانواده همسر به مقابله بپردازد یا عصبانیت خود را بر سر همسرش خالی کند.

راهکارهای مدیریت انتظارات به شرح زیر است:

- (۱) شناسایی انتظارات و توقعات
- (۲) شناسایی معنی نهفته در پس برآورده شدن یا نشدن انتظارات
- (۳) تجزیه و تحلیل انتظارات و توقعات
- (۴) بازگو کردن انتظارات خود به صورت درخواست جرأتمندانه

۲-۳- رهایی از وابستگی

یکی از مشکلات شایع زن و شوهرها وابستگی زن یا شوهر به خانواده اش است که تأثیرش را به صورت دخالت ها در زندگی آنان نشان می دهد. برای از بین بردن چنین مشکلی باید به خود و همسر کمک کرد تا از وابستگی شدید به پدر و مادر بدون اینکه ذره ای در احساس دوست داشتن پدر و مادر خلل وارد شود رها شود.

^{۱۵}. همان، ۱۳۹۱: ۸۹.

^{۱۶}. همان، ۱۳۹۱: ۱۰۱ و ۱۰۰.

راهکارهای نجات رابطه از وابستگی به والدین به این قرار است:

اگر به این نتیجه رسیدید که همسران واقعاً به خانواده اش وابسته است، راه حل های زیر را امتحان کنید:

۱- اگر روابط مناسبی با همسران ندارید، سعی کنید این روابط را بهبود بخشید و هر چه بیشتر از لحاظ عاطفی به همسران نزدیک شوید.

۲- گاهی ممکن است رفتارهای نسنجیده و کودکانه باعث وابستگی همسر به خانواده اش شود؛ چون او نمی تواند درمورد مسائل زندگی به شما تکیه کند در نتیجه می خواهد خانواده اش را در کنار خود داشته باشد. گاهی نیز رفتار آزادگرانه شما سبب شده است او به خانواده اش پناه برد؛ در چنین مواردی اگر رفتار مناسبتری نسبت به همسران داشته باشید مسلماً از وابستگی او کاسته خواهد شد.

۳- گاهی دلیل وابستگی همسر به خانواده اصلی خود، ضعف در تصمیم گیری و عدم اعتماد به نفس اوست. چنانچه همسر همه موارد کوچک و بزرگ زندگی را با والدین مطرح می کند و دست آنها را در دخالت ها باز می گذارد، شما باید همسران را از تأثیرات نظر بی مورد خانواده اش در زندگی آگاه کنید و او را از آسیب های شدیدی مطلع سازید که اینکار به روابط بین شما و خانواده همسران وارد می سازد.

۴- گاهی زوجین هر نوع اختلاف و درگیری با همسرشان را به والدین خود گزارش می کنند به همسران پیشنهاد کنید که هر وقت اختلافی با شما پیدا کرد گزینه های بهتری را برای به آرامش رسیدن یا مشورت کردن پیدا کند. شاید بهترین راه حل این باشد کمتر با همسران درگیر شوید!

۲-۴- مدیریت تفاوت ها

دو خانواده ای که با هم وصلت می کنند ممکن است از جهات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی- مذهبی و سیاسی با هم تفاوت داشته باشد؛ گاه همین تفاوت ها می تواند منشأ درگیری زوجین و خانواده همسر گردد.

راهکارهای مدیریت تفاوت ها عبارت است از:

- ۱) بدانید تفاوت با خانواده همسر در هر زمینه ای، عادی است.
- ۲) توجه به شباهت ها در کنار تفاوت ها
- ۳) دلیلی نیست که مردم حتماً مطابق میل ما رفتار کنند و دلیلی هم ندارد که حتی اگر رفتارشان قابل قبول نیست، حتماً خود را تغییر دهند تا متناسب با آن چیزی شوند که مدنظر ماست!^{۱۷}

ب- راه های تقویت ارتباط با خانواده همسر از دید اسلام

^{۱۷} . همان، ۱۳۹۱: ص ۱۰۷ و ۱۰۶.

^{۱۸} . همان، ص ۱۱۳.

همزمان با شروع پیوند ازدواج، روابط اجتماعی زن و مرد گسترش می یابد. از آثار شکل گیری هر ازدواج، شکل گیری دو شاخه خویشاوندی است: یکی خویشاوندی نسبی یا خونی که با تولد فرزندان و استمرار نسل آنان شکل می گیرد و دیگری خویشاوندی سببی که بین هر یک از زن و مرد با افراد جدید برقرار می شود. قرآن به این دو نوع خویشاوندی اشاره کرده است.

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا»^{۱۹}

خداوند آفرینش بشر را به دو گونه قرار داده است: یک قسمت «نسب» که از سوی مذکر (مرد) است (که پیوندهای نسبی مانند پدر، فرزند، برادر و غیره از این طریق است) و قسمت دیگر «صهرا» یا خویشاوندی سببی که در اصل به معنی داماد است و پیوند و قرابت هایی است که از طریق ازدواج مرد و زن تحقق می یابد.^{۲۰}

خویشاوندی فرد با خانواده اصلی همسر از نوع سببی و پیوند هر یک از زوجین با خانواده اصلی خود از نوع نسبی و خونی است از جمله وظایف زوجین پس از ازدواج، برقراری روابط مستمر و مطلوب با خانواده اصلی خود و همسر است.

۱- الگوهای تعاملی با خود، همسر و خانواده اصلی

گاهی ارتباطات به گونه ای شکل می گیرد که یک طرف سومی نیز در رابطه دخیل خواهد بود. اگر این نوع رابطه در زمینه ارتباط همسران با خانواده اصلی مطرح شود، باید گفت گاهی طرف سوم خانواده اصلی یکی از زوجین است گاهی طرف سوم همسر فرد است که در مواقعی چگونگی رفتار یک طرف با خانواده اصلی خود در رابطه همسری اثرگذار است. گاهی نیز چگونگی تعامل خود فرد با همسر و خانواده اصلی مطرح است برخی روایات انواع این رابطه را مورد اشاره قرار داده است.

در روایتی، پیامبر (ص) از همسرانی سخن می گوید که در تعامل با والدین خود نفوذپذیر و تحریک پذیر و در تعامل با همسر خود نفوذناپذیر و نرمش ناپذیرند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ نِسَائِكُمْ؟ الدَّلِيلَةُ فِي أَهْلِهَا، الْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْلِهَا»^{۲۱} در روایتی دیگر از همسران ناشایستی یاد شده است که نزد خانواده شان خوار و بی مقدار و نزد خودشان مغرور و خودخواه هستند: «شِرَارُ نِسَائِكُمْ... الدَّلِيلَةُ فِي قَوْمِهَا، الْعَزِيزَةُ فِي نَفْسِهَا»^{۲۲}

باید یادآور شد مقصود از نفوذپذیری در برابر خانواده پدری و نفوذناپذیری در برابر همسر این است که یکی از زوجین در مسائل مربوط به زندگی زناشویی از خانواده خود تحریک پذیر و اثرپذیر باشد به گونه ای که از سخنان منفی آنها یا تحریکات آنان تاثیر پذیرد، اما در این باره هیچ سخن و توصیفی از همسر خود نمی پذیرد. بنابراین با توجه به این روایات می توان به دو الگوی ارتباطی منفی دست یافت:

(۱) الگوی والدین- همسر: براساس این الگو فرد، تحریک پذیر در برابر والدین و نفوذناپذیر در برابر همسر است.

(۲) الگوی والدین- خود: براساس این الگو فرد در برابر خانواده اصلی، ذلیل و نزد خود متکبر است.

^{۱۹} . معنی: "اوست کسی که از آب، بشر آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نسبی و دامادی قرار داد و پروردگار تو همواره تواناست". فرقان؛ ۵۴.

^{۲۰} . طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ص ۱۴۲؛ طباطبایی، ۱۴۷، ج ۱۵: ۲۲۹.

^{۲۱} . آیا شما را به بدترین زنانان خبر دهم؟ کسی که در خانواده اش ذلیل و با شوهرش عزیز است. (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰: ص ۵۷۴).

^{۲۲} . بدترین زنانان کسی است که در قومش ذلیل و در نفسش عزیز است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ص ۳۴).

در برابر الگوی نامناسب روابط با همسر و والدین و خود، روایات دیگری الگوی مناسب را یادآور می شود. پیامبر (ص) از همسران شایسته ای یاد می کند که نسبت به خانواده شان نفوذ ناپذیر و نسبت به همسر خود نفوذ پذیرند: «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ... العَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا...»^{۲۳}

لازم به توضیح است که نفوذناپذیری در برابر خانواده اصلی به معنای توهین و بی احترامی به آنان نیست، چنانکه روایت نیز بیان می کند که الگوی مناسب الگویی است که فرد طی آن نزد خانواده شریف و بدهی است که بی احترامی، شرافت شخص را ضایع می سازد. باید دانست که نفوذپذیری نزد همسر به معنای خوار و بی ارزش بودن نیست؛ بلکه محدوده ای معین دارد در روایات نیز به اصل تکریم زن و شوهر، یکدیگر را بسیار توصیه شده است بنابراین باید گفت الگوی تعامل صحیح با همسر باید براساس «نفوذ پذیری - کرامت» و با خانواده باید براساس «نفوذناپذیری - کرامت» استوار باشد.

۲- مهارت های ارتباط با خانواده اصلی از دیدگاه اسلام

در آیات و روایات درمورد متعدد امر و نهی ها و توصیه هایی در زمینه چگونگی رفتار فرزندان با والدینشان به چشم می خورد که با بهره گیری از این آیات و روایات می توان به مهارت های برقراری ارتباط موثر با والدین دست یافت که برخی از آنها به این شرح است:

۲-۱- حفظ احترام والدین

آموزه های اسلامی در جهت احترام والدین در روابط کلامی سفارش هایی دارد؛ از جمله هر گونه آزار و پرخاشگری لفظی نسبت به والدین ناشایست اعلام شده تا آنجا که در قرآن به فرزندان سفارش شده است حتی از گفتن لفظ «أَف» که در زبان عربی کمترین مراتب تندی در گفتار است بپرهیزند: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»^{۲۴} همچنین توصیه شده است که آنها را نباید با اسمشان صدا زد بلکه با کلماتی نظیر پدر و مادر خطاب قرار گیرند؛ چنانکه وقتی از ابی عبدالله (ع) درمورد حق والدین بر فرزندان سوال شد، ایشان یکی از حقوق را صدا زدن با نام دانستند و فرمودند: «لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ»^{۲۵} در این زمینه پیامبر (ص) و نیز از فاطمه (س) می خواست ایشان را به عنوان پدر خطاب کنند نه عناوین دیگر مانند رسول خدا صلی الله علیه و اله. «إِنْ قَوْلَكَ يَا أَبَاهُ. أَحَبُّ إِلَيَّ قَلْبِي وَأَرْضِي لِلرَّبِّ»^{۲۶}. اینکه مرا پدر خطاب کنی، نزد من محبوب تر و مایه خشنودی پروردگار است.

مهمترین مسئله در روابط غیرکلامی نیز فروتنی در برابر والدین است قرآن با استعاره ای زیبا افراد را به نهایت فروتنی در برابر والدین دعوت می کند: «وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ أَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا»^{۲۷} و همچنین براساس

۲۳. بهترین زنان شما کسی است که... در خانواده اش گرمی و نزد شوهرش ذلیل باشد. (صدوق، ۱۴۱۳؛ ج ۳: ص ۳۸۹)

۲۴. اسراء، ۲۳.

۲۵. کلینی ۱۴۰۷؛ ج ۲، ص ۱۵۹.

۲۶. بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴ ص ۱۰۴.

۲۷. و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند. (اسراء: ۲۴)

آموزه های اسلامی مناسب نیست فرزند جلوتر از والدین راه برود؛ «وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ» و پیش از آنها ننشیند «وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ» لحن و آهنگ صدای فرزندان در مقابل والدین، آرام و پایین تر از آنها و عین حال مهربانانه باشد.

۲-۲- اختصاص دادن زمان های خاص برای دیدار والدین

زوجین به منظور استمرار روابط مطلوب با خانواده اصلی می توانند برنامه ریزی کنند، مثلاً زمان های معینی را برای سر زدن به خانواده ها تعیین کنند. در آموزه های دینی تاکید فراوانی بر صله رحم و دید و بازدید از خویشاوندان شده و آثار بی شماری برای به جا آوردن صله رحم برشمرده شده است؛ از جمله اینکه طولانی شدن عمر، جلوگیری از بلاها و مرگ ناخوشایند. در رأس صله رحم، صله با پدر و مادر است که از همه نزدیکترند و مسلماً باید در اولویت باشند. ارتباط زوجین با خانواده های اصلی یکدیگر آثار مثبت فراوانی دارد از جمله برونریزی عاطفی، بیان مسائل و مشکلات زندگی و مشورت و نظرخواهی در کارها و استفاده از تجربه والدین و همدلی آنان.

۳- مهارت های ارتباط با خانواده همسر

برقراری روابط مطلوب با والدین همسر از جمله وظایف زن و مرد بعد از ازدواج است، زیر داشتن چنین روابطی نقش مهم و عین حال موثری در تقویت روابط زوجین دارد. دین اسلام راهکارهایی برای تقویت این روابط ارائه کرده است:

۳-۱- یکی انگاشتن والدین خود و همسر

براساس آموزه های اسلام، والدین همسر فرد، پدر و مادر او به شمار می آیند و رعایت احترام و حقوق آنها به مانند پدر و مادر خود او لازم است. «الاباء ثلاثة: اب زوجك و اب ولدك و اب علمك» درنظر داشتن اینکه والدین همسر بسا والدین خود فرد هستند و تفاوتی بین آنها نیست، بسیاری از مشکلات زوجین را در ارتباط با خانواده همسر برطرف می سازد. با چنین نگرشی، فرد رفتارهای والدین همسر را به بدی تفسیر نمی کند، چرا که معتقد است آنها نیز مانند والدین خودش به او علاقمندند. همان گونه که رعایت احترام والدین خود را می کند احترام والدین همسر را نیز بر خود واجب و حقوق آنان را رعایت می کند. در برابر والدین همسر نیز باید روابط مناسبی با داماد یا عروس خود داشته باشند. اگر فرد، داماد را پسر خود و عروس را دختر خود بداند، برقراری روابط عاطفی بین آنها استحکام بیشتری خواهد یافت. بنابراین برای حفظ روابط متقابل و جلوگیری از بروز مشکلات در خانواده بر هر یک از زن و شوهر لازم است به رعایت حقوق والدین همسر اهمیت دهند.

۳-۲- مبارزه با تعصبات بیجا درمورد والدین همسر

گسترده‌گی وظایف فرزندان نسبت به والدین به همه زندگی تا پایان عمر والدین و حتی پس از مرگ آنهاست. از دیدگاه اسلام فرزند چه پسر و چه دختر پس از تشکیل خانواده باز هم نسبت به والدین، مسئولیت های مختلف حمایتی چه اقتصادی و چه

^{۲۸}. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۳۳۳.

^{۲۹}. صدوق، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۲.

^{۳۰}. عباسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۶۱.

^{۳۱}. امینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۲۹.

روانی دارد. در پاره ای آیات به فرزندان سفارش شده است که حقوق مالی و اقتصادی والدین را رعایت کنند فرزندان باید از اموالشان به پدر و مادر انفاق کنند و در وصیت و میراث سهم والدین را آنگونه که دستور داده شده است، در نظر بگیرند.^{۳۲}

چنانچه والدین نیاز مالی داشته باشند، فرزندان در تأمین نیازهای مالی آنان براساس دستور خداوند مسئول هستند. حال ممکن است زوجی به دلیل حساسیت های نابجا همسرش را در انفاق مالی به خانواده مورد نکوهش قرار دهد و بخواهد از این کار جلوگیری کند براساس آنچه از آیات شاهد آورده شد، این کار عمل خلاف دستور خداوند است. با رسیدن والدین به سالیهای پیری مسئولیت ها بیشتر می شود. زوجین باید نیاز والدین به فرزندان را در زمان پیری به عنوان یک اصل بپذیرند. خداوند صراحتاً دستگیری از آنها را در پیری مورد اشاره قرار داده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» پدر و مادر در دوران پیری سخت ترین حالات را دارند و بیشتر به کمک فرزندان احساس نیاز می کنند، زیرا از بسیاری از واجبات زندگی خود ناتوانند. زمانی که آنها در دروان کودکی فرزند نیازهای او را برآورده می ساختند، این آرزو را در سر می پروراندند که در روزگار پیری از دستگیری فرزند برخوردار شوند. خداوند با یادآوری دوران سخت حمل و به دنیا آوردن فرزند و مشقاتی که مادر در دوران شیردهی تحمل می کند تا فرزند به تکامل برسد به انسان سفارش می کند در برابر رنج هایی که مادر تحمل کرده است باید به او احسان کرد. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» متأسفانه برخی بدون توجه به سفارش خداوند درمورد رسیدگی به والدین از رسیدگی همسر خود به والدینش جلوگیری می کنند؛ این درحالی است که این مسئله مورد تأکید آموزه های اسلامی و از وظایف فرزندان در برابر والدین به شمار می آید، لذا جلوگیری از رسیدگی همسر به والدین درواقع، جلوگیری از اجرای حکم خدا به شمار می آید. چنین افرادی باید بدانند که وقتی به فرزندان سفارش شده است پس از مرگ والدین نیز باید به ایشان با اموری چون طلب آمرزش، قرائت قرآن، پرداخت صدقه، پرداخت دیون مالی، صله رحم با نزدیکان و احترام به دوستان والدین و ارتباط با آنها^{۳۳} و نیز به جای آوردن نماز، روزه و حج از جانب والدین احسان کنند^{۳۴} رسیدگی به آنان در زمان حیاتشان جای خود دارد.

در کنار سفارش هایی که در اسلام درمورد طرز برخورد با خانواده اصلی و خانواده همسر وارد شده است مواردی هم به چشم می خورد که چگونگی ارتباط خانواده ها را با فرزندانیشان پس از ازدواج مورد اشاره قرار داده است.

^{۳۲}. بقره، ۱۸۰ و ۲۱۵.

^{۳۳}. و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «أف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگو. (اسراء، ۲۳)

^{۳۴}. و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد. (احقاف، ۱۵)

^{۳۵}. نوری، ۱۴۰۸؛ ج ۲، ص ۱۱۴.

^{۳۶}. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۹.

نتیجه گیری

در موضوع ارتباط با خانواده اصلی در دانش مشاوره خانواده بحث «چرخه زندگی خانوادگی» مطرح است. درباره تعدیل وابستگی به خانواده اصلی، آموزه های اسلام و مشاوره خانواده با هم همسویی دارد. قرآن به اصل وابستگی روحی و عاطفی زوجین با هم اشاره می کند. در حوزه اسلام براساس روایاتی که در موضوع ارتباط با خانواده اصلی وجود دارد می توان الگوی سه بعدی از روابط ارائه کرد که ابعاد آن عبارت است از ۱- تعامل با خود ۲- تعامل با همسر ۳- تعامل با خانواده. مهارت هایی که اسلام در برقراری رابطه با خانواده همسر بدان توصیه می کند، عبارت است از درنظر گرفتن خانواده همسر به عنوان پدر و مادر خود و مبارزه با تعصبات بی جا در مورد والدین همسر. مهارت های در زمینه ارتباط با خانواده همسر نیز ذکر شده است از جمله مرز سازی، مدیریت توقعات، رهایی از وابستگی و مدیریت تفاوت ها. وظایفی نیز بر عهده خانواده اصلی است از جمله اینکه زمینه استقلال فرزندان را فراهم کنند و وابستگی فرزند به همسر را بپذیرند و آن را در تعارض با وابستگی به خود نبینند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول قم. جامعه مدرسین قم.
۲. افقری، فاطمه (۱۳۹۱). تدوین و استانداردسازی بسته آموزشی بومی مهارت های ارتباط زوجین با خانواده اصلی بر مبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده های شهر اصفهان اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۳. امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶). الغدير فی الكتاب السنه و الادب. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴. اصفهان، اصفهان، دانشگاه اصفهان امینی،
۵. عبدالحسین (۱۳۶۶). الغدير فی الكتاب السنه و الادب. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۶. بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. محقق و مصحح قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه.
۷. پاینده، ابوالقاسم (بی تا). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
۸. پروجاسکا، جیمز؛ نور گراس، جان (۱۳۸۱). نظریه های روان درمانی. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: رشد.
۹. تبریزی، مصطفی؛ دیبائیان، شهرزاد؛ کاردانی، مژده؛ جعفری، فروغ (۱۳۸۵). فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی، تهران: فراروان.
۱۰. چیل، دیوید (۱۳۸۸). نگرشی جامعه شناختی بر خانواده ها در دنیای امروز. ترجمه محمدمهدی لبیبی، تهران: شرکت نشر نقد افکار.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام ۱۲. زهراکار، کیانوش؛ جعفری، فروغ (۱۳۹۰)، مشاوره خانواده (مفاهیم، تاریخچه، فرایندها و نظریه ها). تهران: ارسباران.
۱۳. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۸)، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، قم: سبحان.
۱۴. صدر، محمدباقر (۱۴۰۹). التفسیر الموضوعی و الفلسفه الاجتماعیه فی المدرسه، بیروت دار العالمیه.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۷. طبرسی، فضل بن محمد (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر

خسرو.

۱۸. علیکی، محمود؛ نظری، علی (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی، فصلنامه تازه ها و پژوهش های مشاوره. ش ۲۶: ۲۴ - ۷.

۱۹. قاسمی، سیمین (۱۳۹۱). تدوین و استاندارد سازی بسته آموزش بومی مهارت‌های ارتباط با خانواده همسر بر مبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده های شهر اصفهان، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). .. الکافی (ط-الاسلامیه). محقق و مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.